

شهادت محیط‌بان در گلستان

🔪 دو مظنون اصلی شهادت یک محیط‌بان پارک ملی گلستان در یکی از روستاهای کلاله دستگیر شدند.

سردار محمدسعید فاضل دادگر، فرمانده انتظامی استان گلستان در این باره به سایت پلیس گفت: عصر دو روز پیش این مرد محیط‌بان و همکارش هنگام گشتنی در پارک ملی گلستان بودند که برای جلوگیری از فعالیت شکارچیان غیرمجاز با آنها درگیر شدند. شکارچیان غیرمجاز به سمت‌شان شلیک کردند و باعث قتل یکی از محیط‌بان‌ها شدند. بلافاصله تیمی ویژه و تخصصی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای دستگیری عوامل قتل تشکیل و به محل حادثه اعزام شدند.

وی افزود: با تلاش شبانه‌روزی و کار تخصصی انجام شده دو نفر مظنون در این پرونده در یکی از روستاهای شهرستان کلاله دستگیر و به اداره پلیس منتقل شدند. این گزارش حاکی است، محیط‌بان کاظم مصدق ۴۵ ساله که در این حادثه به شهادت رسید، متاهل و پدر دو فرزند بود. او ۱۸ سال سابقه خدمت در پارک ملی گلستان را داشت.

ناگامی آدم‌ربایان درزدیدن کودک

🔪 سه مرد تبعه افغانستان که با ربودن دختری پنج ساله در بازار عبدال‌آباد تهران قصد فرار داشتند که با هوشیاری پدرمادر کودک ناکام ماندند. متهمان اعتراف کردند که قصدشان سرقت طلاهای کودک بوده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش زوج جوانی همراه دختر پنج‌ساله‌شان برای خرید به بازار عبدال‌آباد تهران رفته و مشغول خرید بودند که به خاطر ازدحام جمعیت دخترخردسال از آنها کمی فاصله گرفت و ناپدید شد. والدینش هرچه اطراف را نگاه کردند، ردی از دخترشان نبود. هراسان به جست‌وجو‌برای یافتن وی پرداختند تا این‌که وقتی به انتهای مسیر بازار رسیدند سه مرد افغان را دیدند که یکی از آنها دخترشان را زیر بغلش گرفته و در حال فرار هستند. به جدال با سه مرد کودک‌ربا پرداختند اما آنها دختر خردسال را راه‌ها نمی‌کردند. در همین گیرودار بود که چند زن و مرد رهگذر با دیدن این صحنه به کمک‌شان آمدند و توانستند دختر ربوده‌شده را نجات دهند و یکی از آدم‌رباها بازداشت و دو نفر دیگرشان فرار کردند.

متهم با انتقال به پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و در اظهاراتش گفت: چند ماه است که از طریق قاچاق‌برها به تهران آمدم و در کارهای ساختمانی کار می‌کردم. با دو نفر از دوستانم دنبال کاری با سود بالا بودیم که تصمیم گرفتیم با شناسایی کودکان در بازارهای سطح تهران آنها را ربوده و طلاهای دخترچه‌ها را سرقت کرده و بفروشیم. اگر شد از خانواده‌های‌شان در برابر آزادی آنها اخاذی کنیم. آن روز وارد بازار عبدال‌آباد تهران شدیم و به‌دنبال یافتن سوزه مورد نظر بودیم که این دختر خردسال از والدینش فاصله گرفت و او را ربودیم اما در ادامه دستگیر شدیم.

بازپرس نیک، رئیس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم، دو‌همدستش تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و دستگیر شدند. آنها نیز گفته‌های همدست دیگر خود را تأیید کردند. تحقیقات برای رازگشایی از دیگر جرایم‌شان ادامه دارد.

راز قتل مرد پزشک در قلب برادرش

🔪 مردی که در جریان اختلاف با برادر پزشک خود، او را دو سال قبل کشته واین راز را پنهان کرده بود، بازداشت شد.

سرهنگ محمدتقی سلطانی، رئیس پلیس آگاهی آذربایجان شرقی در این باره به سایت پلیس گفت: دو سال قبل گزارش ققدانی مردی ۴۴ ساله که پزشک بود توسط خانواده‌اش به پلیس اعلام و تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. طبق آخرین تحقیقات میدانی متوجه رفتارهای متناقض برادر او که جزو مظنونان اصلی بود، شدند و با هماهنگی قضایی، وی بازداشت شد. او سرانجام در تحقیقات پلیسی به قتل برادرش که پزشک بود، اعترف کرد وگفت: چون می‌خواسته اموال کارگاه ریخته‌گری وی را تصاحب کند، او را کشته وروی پیکر او اسید پاشیده ودر محلی دفن کرده است.



انفجار آسیب دیده نیز شامل قیر و پارافین بوده که چاره‌ای جز سوختن آنها نیست. در حال حاضر آتش ادامه‌دار در بندر به دلیل پارافین و قیر موجود در این کانتینرهاست. قدرت‌الله حمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران در مورد آخرین وضعیت حریق گفت: حریق را به‌طور کامل در کنترل خود داریم اما اطفای حریق به دلیل این‌که به همه اجناس داخل کانتینر دسترسی نداریم، دشوار است. اجناس داخل کانتینر به دلیل رسیدن حرارت، داغ و منفجر می‌شود. به‌گفته وی کانتینرهای زیرین به دلیل شدت گرما شعله‌ور و دچار حریق می‌شود. ظهر یکشنبه انفجارها و شعله‌ور شدن بخشی از محل حادثه به دلیل کانتینرهای حاوی قیر بود. البته این موضوع نگران‌کننده نیست و حریق در کنترل آتش‌نشانه‌اند.

محمدی با بیان این‌که مواد داخل کانتینر باید خودسوزی کرده و تمام شود، گفت: امکان دسترسی به این مواد با شعله آب را نداریم و همین موضوع باعث زمان‌بر شدن اطفای حریق شد. طبق آمارهای رسمی ۲۶ نفر جان خود را در این حادثه از دست داده‌اند اما برخی مردم تصاویر عزیزان خود را در شبکه‌های مجازی منتشر کرده و گفته‌اند پس از حادثه از آنها بی‌خبرند و با ناامیدی از دیگران درخواست کمک دارند.

به‌گفته عضو کمیسیون بهداشت مجلس، هویت ۱۸ نفر از قربانیان به‌خاطر شدت سوختگی قابل شناسایی نیست و باید آزمایش DNA انجام شود. همزمان با مهار آتش در کانون آتش‌سوزی، امدادگران هلال احمر راهی آنجا شده و با تصاویری تلخ روبه‌رو شدند؛ پیکرهایی که سوخته و غیرقابل شناسایی بودند. برخی از قربانیان، حتی فرصت بیرون آمدن از ماشین را پیدا نکرده بودند.

پایان ۳ سال کابوس چوبه دار

مردی که سه سال پیش هنگام مستی در میدان قیام تهران در یک درگیری خیابانی مرتکب قتل شده بود، سرانجام توانست رضایت بگیرد و بخشیده شود. به گزارش خبرنگار جام‌جم، فرشید مرد جوانی است که سوم بهمن سال ۱۴۰۱ در یک درگیری خیابانی در میدان قیام تهران فردی را با ضربه‌های چاقو به قتل رساند و بعد از دستگیری در زندان به سر می‌برد. پرونده او با صدور جلب به دادرسی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال و او محاکمه شد. پدر مقتول برای قاتل فرزندش قصاص خواست. در ادامه دو دوست مقتول و شاهدان ماجرا به تشریح شب جنایت پرداختند و گفتند که آن شب بعد از خرید کفش، پیاده سمت خانه‌شان می‌رفتند که راننده موتورسیکلت به سمت‌شان آمده و کم‌مانده بوده آنها را زیر بگیرد. همین باعث دعوی‌شان شد و در ادامه دوست‌شان به قتل رسید. در ادامه فرشید، عامل جنایت در دفاع از خود گفت: مست کرده بودم و چون حال روحی‌ام خوب نبود قرض داد و قاتل فرزندش را به شرط دریافت دیه بخشید.



که پر از ماهی بود. در آتش‌سوزی‌ها، به‌خصوص حریق‌هایی که وسعت زیادی دارند، به دلیل شدت حرارت، شنیده شدن صدای انفجار اصلاً چیز عجیبی نیست. بار یکی دیگر از کانتینرهای منفجرشده پای مرغ بود که کامل روی زمین پخش شده‌اند. یکی از شاهدان حادثه می‌گوید در محل انفجار انگار دروازه‌های جهنم باز شده و هیچ چیز سالمی باقی نمانده. او با حیرت در مورد چاله‌های بزرگی صحبت می‌کند که پس از انفجار روی زمین دهان باز کرده‌اند. آتش دست‌بردار نیست و ظه‌ر روز هفتم اردیبهشت انفجار دیگری رخ داد و آتش از جای دیگری شعله‌ور شد.

گمرک در بیانیه‌ای اعلام کرد، کانتینرهای وارداتی آسیب‌دیده شامل مواد شیمیایی بوده و کانتینرهای صادراتی که در این



محدوده آتش‌سوزی می‌شوند. آتش‌نشنان همگی بدون خستگی مشغول کار هستند. با این وجود ایمنی و سلامت آنها در اولویت قرار دارد و بعد از چند ساعت عملیات به استراحت می‌روند و آتش‌نشنان دیگر جایگزین می‌شوند.

در حالی‌که بازار حرف و حدیث در مورد نوع مواد سوختنی همچنان داغ است، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران که در محل آتش‌سوزی قرار دارد، گفت: حجم زیادی از آتش وجود داشت. انفجارهایی هم رخ می‌داد که ناشی از داغ شدن کانتینرها و حبس حرارت بود. این آتش‌سوزی از نوع آتش‌سوزی‌های ترکیبی بود. یعنی ما پارچه می‌دیدیم، لوازم خودرو می‌دیدیم، موادی که پایه نفتی دارند می‌دیدیم. مواد شیمیایی هم وجود داشت. حتی یکی از کانتینرها را باز کردیم



بازار شایعات در مورد نوع مواد منفجرشده همچنان داغ بود تا این‌که فیلم دوربین مداربسته از لحظات آغاز آتش‌سوزی مرگبار در اسکله منتشر شد. براساس این تصاویر، ابتدا انفجاری کوچک که به نظر می‌آید داخل یک کانتینر است رخ داده و پس از آن دودی خاکستری‌رنگ به آسمان بلند می‌شود اما ناینه‌هایی بعد ناگهان یک جهنم واقعی از آتشی بسیار مهیب و سوزان الو می‌گیرد و پس از آن شعله‌ها گسترش یافته و به حجم آتش افزوده می‌شود.

یک آتش‌نشان بندرعباسی که شب اول حادثه در محل انفجار بندر شهید رجایی حضور داشت در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: یک‌دهه است که آتش‌نشان مناطق صنعتی هستم و تاکنون چنین حجمی از آتش‌سوزی را ندیده بودم. در محل انفجار، منبع سوختی وجود نداشت. صدای انفجار تا شعاع ۲۰کیلومتری شنیده شد و تخریب ساختمان‌های اطراف محل انفجار را شاهد بودیم. تیم‌های اعزامی و مستقر آتش‌نشانی تمام توان خودشان را برای خاموش کردن آتش و جلوگیری از خسارت بیشتر به‌کار گرفتند. بسیاری از آتش‌نشنان که شیفت‌شان نبود هم به‌صورت داوطلب به محل حادثه آمدند و مشغول کار شدند.

او در مورد شنیده شدن صدای انفجار گفت: با وجود ورزش باد، آتش‌گسترش یافت و هر چند دقیقه یک‌بار صدای انفجار می‌آمد که ناشی از ترکیدن کانتینرها به‌خاطر رسیدن آتش به آنها بود. خوشبختانه از ساعت ۲ با مبادا یک‌شنبه حجم باد کاهش یافت و کار اطفای حریق آسان‌تر شد. نیروهای آتش‌نشانی نیم‌ساعت کار اطفای حریق را متوقف کردند تا بالگردها و هواپیماها آپاشی برای مهار حریق را انجام دهند. خودروهای آتش‌نشانی چند استان وارد بندر شدند، به‌نوبت آگیری کرده و برای اطفاء وارد

متهم به قتل جنایت مستانه در دادگاه:

نمی‌دانم چرا پسر جوان را کشتم!

باتوجه به اقرار متهم، بازسازی صحنه قتل و تأیید سلامت روانی اش برای او درخواست مجازات قانونی را دارم.

سیس نوبت به اولیای دم رسید که پدر و مادر مقتول برای قاتل پسرشان درخواست قصاص کردند. مادر مقتول به قضاات گفت: سه نفر در محل قتل حضور داشتند که دو نفرشان لایوايستناگرام گرفته و متهم هم با جاقو او ر زده است. سعید توانست از خودش دفاع کند وگرنه اتفاق طور دیگری رقم می‌خورد. متهم اگر جاقو نداشت الان پسرم زنده بود. حاضر به گذشت نیستم و قصاص می‌خواهم. رئیس دادگاه با تفهیم اتهام به میثم، از او خواست از دفاع کند که متهم اظهار کرد: درباره آن شب چیزی به یاد ندارم. حتی چهره مقتول هم یادم نمی‌آید. یادم هست با دو نفر از دوستانم در پارک مشروب می‌خوردیم که سعید به آنجا آمد. مشروب خوردیم و کار به درگیری لفظی کشید و دیگر چیزی یادم نمی‌آید. صبح روز بعد که اثر مشروب از بین رفت، روی پله‌های بیمارستان بودم. آن شب ۷۵۰ میلی‌لیتر مشروب خوردم و از خود بی‌خود شدم. خیلی وقت بود نخورده بودم. وقتی فهمیدم سعید به کما رفته خود را به کلانتری معرفی کردم.

🔪 **رئیس دادگاه: مشروب را از کجا خریده بودی؟**

متهم به قتل: از ساقی محل.

🔪 **رئیس دادگاه: چرا جاقو با خودت برده بودی؟**

متهم به قتل: حراست یک پاساژ هستم برای مراقبت از خودم جاقو داشتم.

در ادامه وکیل متهم در دفاع از او گفت: موکلم هنگام درگیری به خاطر مستی مسلوب‌الارذه بوده است. ۱۲ ضربه به نقاط مختلف بدن مقتول نشان از مستی ضارب دارد. آنها دوستی قبلی نداشتند و درگیری لفظی‌شان به اینجا کشیده شده است. در پایان این جلسه برادر مقتول اظهار کرد: حدود ساعت ۴ صبح متوجه ماجرا شده و به بیمارستان رفتم. متهم هم آنجا بود. پزشکان امیدی به نجات برادرم نداشتند. ظه‌ر هم خبر دادند فوت شده است.

در پایان جلسه قضاات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

پسر جوان که متهم به قتل در دعوی مستانه است، در دادگاه مدعی شد هیچی از قتل به‌خاطر ندارد و آن زمان بی‌اراده بوده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۱۳ دی ماه سال ۱۴۰۲ و با گزارش درگیری در بوستانی در هفت چنار تهران و زخمی شدن پسری ۲۵ساله آغاز شد. پسر جوان در بیمارستان بستری بود که بعد ازظهر روز بعد فوت کرد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد او با سه پسر دیگر بوده که در جدال با یکی از آنها به قتل رسیده است. متهم به قتل پرونده، سرانجام به کلانتری رفت و تسلیم شد. متهم ۲۷ساله با اعتراف به قتلی که مرتکب شده بود، گفت: من تا دیپلم درس خوانده و مجرد هستم. در حراست یک پاساژ در مرکز تهران کار می‌کنم. گاهی در عروسی و مهمانی مشروب می‌خورم. آن شب در منطقه هفت چنار با بچه‌ها در پارک جمع شدیم. آن منطقه از پارک تا مقصد همیشگی من، مسیری خطرناک است و خودم دو سه بار در تله خفت‌گیران افتاده بودم، به همین خاطر هر بار می‌خواستم از آنجا رد شوم جاقو برمی‌داشتم. آن شب هم جاقو در جیبم بود. اصلاً یادم نیست چه اتفاقی افتاد که با مقتول درگیر شدم. مقتول دوست دوستم بود و دفعه اول بود که او را می‌دیدم. آن شب شروع به مشروب خوردن کردم، البته مقتول قبل از این‌که پیش ما بیاید مست بود. نمی‌دانم سر چه موضوعی با هم درگیر شدیم. آن قدر مست بودم که چیزی در خاطرم نمانده اما یادم است به او جاقو زدم و حتی خودم او را به بیمارستان بردم. در بیمارستان هم کارت ملی خودم را گذاشتم تا او را بستری کنند. تمام شب آنجا بودم. بعد هم به کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض رفتم و خودم را معرفی کردم.

با تکمیل تحقیقات در دادسرا و بازسازی صحنه قتل، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال و متهم در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت. در ابتدای این جلسه نماینده دادستان تهران با تشریح کیفرخواست گفت: در این پرونده میثم متولد سال ۱۳۷۵ متهم به مباشرت در قتل عمدی سعید، جراحات غیر منتهی به فوت و شرب خمر است.